

شیر از گلوئ سارق پابین نرفت

امروزه به دلیل افزایش بیش از حد بهای اموال غیر منقول و به منظور حمایت از اموال و دارایی‌های اشخاص حقیقی و حقوقی و با هدف حراست از حریم مالکیت آن ها، آشنایی با حقوق مالکیت اراضی و نیز قوانین حاکم هنگام معاملات آن ها ضروری است. از طرفی دیگر از آن جایی که هنگام اقامه دعوی «خلع ید»، احراز مالکیت یک اصل است و بر خلاف «تصرف عدوانی» که اثبات تصرف غیر قانونی در آن شرط است، از این لحاظ نیز لزوم آگاهی از منشأ و حدود مالکیت بر اراضی دو چندان به نظر می آید.

طریق تحصیل مالکیت

به موجب قانون مدنی، اسباب تملک عبارت است از هر واقعت یا عمل حقوقی که هدف آن ایجاد یا انتقال مالکیت باشد. در ماده ۱۴۰ قانون مدنی آمده است تملک حاصل می‌شود: (۱) به احیای اراضی موات. (۲) به وسیله عقود و تعهدات. (۳) به وسیله اخذ به شفعه. (۴) به وسیله ارث. در خصوص مورد اول املاک و اموال غیر منقولی که مورد تملک قرار می گیرند بر دو نوع می باشند: (۱) املاکی که مالک ندارند و به وسیله احیای موات تملک می شوند. (۲) املاکی که مالک دارند و به وسیله عقود و تعهدات، اخذ به شفعه و ارث انتقال می یابند. در همین جا در خصوص اخذ به شفعه باید گفت هر گاه مال غیر منقول قابل تقسیمی مانند خانه یا زمین بین دو نفر مشترک باشد و یک نفر از شرکا سهم خودش را به شخص ثالثی بفروشد، شریک دیگر به فرض توانایی بالفعل یا بالقوه مالی، حق دارد به اندازه وجهی که شخص ثالث پرداخته به او بدهد و کل مال را تملک کند و شخص ثالث نقشی در اعمال این حق از سوی شریک ندارد. از این رو در معامله مال غیر منقول که دارای شریک است باید توجه کرد که شریک حق اعمال اخذ به شفع را دارد.

البته در حال حاضر، در مورد بند اول بر اساس اصل ۴۵ قانون اساسی اراضی موات شهری ملک دولت است و به موجب ماده ۶ قانون زمین شهری اسناد و مدارک مالکیت اشخاص در مورد املاک مذکور فاقد اعتبار می باشد. بنابراین احیای این گونه اراضی به وسیله اشخاص حقیقی یا حقوقی موجب تملک نمی شود.

معاونت فرهنگی دادگستری خراسان شمالی

سارق بعد از خالی کردن دخل مغازه ای و برداشتن دبه ای شیر قصد فرار داشت که با سر و صدای شاگرد مغازه با جا گذاشتن وسایل سرقتی از معر که فرار کرد. به گزارش خبرنگار ما شاگرد لبنیاتی در این باره گفت: صبح یکی از روزها زمانی که مغازه را باز کردم و به رختکن رفتم تا لباس هایم را عوض کنم سارقی جلوی مغازه در کمین ایستاده و منتظر فرصت بود و به

محض این که وارد رختکن شدم پشت سر من وارد مغازه شد و شروع به خالی کردن دخل کرد. سارق بعد از خالی کردن دخل و برداشتن پول هنگام خروج یک دبه شیر را هم می خواست سرقت کند که با صدای دبه شیر از اتاق رختکن نگاهی به داخل مغازه انداختم و چشم ام به او افتاد. وی افزود: بعد از دیدن این صحنه با ایجاد سر و صدا و کمک خواستن از همسایه ها سارق

ماجرای زنی که تصمیم گرفت دیگر شریک در د نباشد

وقتی مزه دزدی در دهانم تلخ شد

صدیقی

کارم به جایی رسیده بود که همسرم را در سرقت هایش همراهی می کردم تا از این طریق بتوانیم آینده بچه های مان را بسازیم. اوایل مقاومت کردم اما شوهرم با هزار ترغند و چرب زبانی من را وادار کرد تا در سرقت هایش از کسبه و بازاریان همراهش شوم.

زن نادم درباره ماجرای زندگی اش می گوید: ۱۷سال با بود و نبود همسرم ساختم و صاحب سه فرزند قد و نیم قد شدیم اما تا این ماجرای آخر این قدر تحقیر نشده و تحت فشار قرار نگرفته بودم. شغل همسرم آزاد بود و به زور زندگی مان را اداره می کردیم اما دست به سوی کسی دراز نمی کردیم.

مدتی بود که به کارهای همسرم مشکوک شده بودم زیرا با وجود نداشتن شغل مناسب همیشه جیب اش پر پول بود. هر وقت از او درباره منبع درآمدش سوال می کردم جواب درستی به من نمی داد و با سر هم کردن داستان های تخیلی و باور نکردنی به قول خودش من را قانع می کرد. یقین پیدا کردم که کاسه ای باید زیر نیم کاسه باشد. بعد از این که همسرم را تحت فشار قرار دادم بالاخره همه چیز را لو داد و گفت که مدتی است به خاطر بیکاری و البته طمع دست به سرقت می زند.

با شنیدن این جملات خیلی عصبانی شدم و قصد ترک خانه را داشتم اما همسرم آن قدر در گوشم خواند و از آینده بچه ها گفت تا این که راضی و خام حرف های پوچش شدم و نه تنها کارش را تایید کردم بلکه همراهش شدم. روزها و ماه ها با همدستی شوهرم از مغازه ها و کسبه و

گاهی نیز به تنهایی از آرایشگاه های زنانه لوازم آرایشی، گوشه و کیف پول سرقت می کردم . چنان مزه پول باد آورده سرقت زیر دندانم مزه کرده بود که با وجود به دنیا آمدن بچه ام دست از سرقت بر نمی داشتم.

یک روز به همراه بچه شیرخواره ام راهی بازار شدم تا روزی حرام کسب کنم.

وقتی داخل مغازه ای رفتم ناگهان چشم ام به یک گوشه روی پیشخوان افتاد، سریع به دور از چشم صاحب مغازه آن را برداشتم و فرار کردم. اما این بار دستم رو و صاحب مغازه با خبر شد و دنبالم راه افتاد.

هر چقدر دست و پا زدم که فرار کنم اما به خاطر بچه ای که در بغل داشتم سرعتم کند شد و خیلی زود گیر افتادم. زمانی که صاحب مغازه مجم را گرفت از خجالت دلم می خواست زمین دهان باز

کند و در آن فرو بروم ولی این گونه خوار و خفیف نشوم. با التماس از شاکی درخواست کردم که من را ببخشد. وقتی مرد عصبانی بچه شیرخواره را در بغل ام دید کمی آرام شد و گفت: به خاطر بچه از سر تقصیر می گذرد و من را تحویل پلیس نمی دهد . به من گفت از نوزادم خجالت بکشم که او را در این کارهای زشت ام شریک می کنم. وقتی به خانه برگشتم خیلی به حرف های مرد فروشنده فکر کردم و به نوعی حرف هایش از صد بار زندان رفتن بیشتر روی من تاثیر گذاشت. بعد از آن اتفاق تلخ با همسرم اتمام حجت کردم که دیگر همراهی اش نمی کنم.

با خودم فکر کردم شاید در آینده ای نزدیک شوهرم درخواست های نامشروع دیگری از من بکند برای همین تصمیم گرفتم به دادگاه خانواده بیایم تا با جدا شدن از او به زندگی ام خاتمه دهم.



حادثه در شهر

ماجرای راننده ای که اعتماد بی جا کار دستش داد

سواری دادن به داعشی قلابی

گفتم پولم درحسابم است و کارت عابر بانک دارم.

مرد سارق، خودرو را به حاشیه شهر هدایت و جلوی یک عابر بانک توقف کرد و از من خواست که هر چقدر موجودی در حسابم است خالی کنم .

وی ادامه داد: بدون مقاومت مقداری پول از عابر بانک برداشتم و در اختیارش گذاشتم. او بعد از دور زدن داخل کوچه ها مقابل یک دکه ایستاد و از من خواست چند بسته سیگار برایش بخرم . من که از شدت ترس قدرت تصمیم گیری نداشتم اصلا فکر فرار به سرم نزد و دستورش را اجرا کردم و با خرید چند بسته سیگار سوار خودرو شدم.

هنگامی که سارق زورگیر بی هدف داخل کوچه ها می چرخید نقشه فرار کشیدم و در یک لحظه زمانی که خودرو در یک دست انداز مکت کوچکی کرد از آن پیاده شدم و به سرعت پا به فرار گذاشتم.

بعد از دور شدن با کمک برادرم پلیس را در جریان گذاشتم و آن ها بعد از چند ساعت سارق زورگیر را به همراه خودروی سرقتی دستگیر کردند. بعد از دستگیری سارق به مرخصی آمده و بعد از مصرف مواد صنعتی دچار توهم شده است.

این اتفاق ترساک برای من درس عبرتی شد که دیگر به هر غریبه ای اعتماد و او را سوار خودرویم نکنم زیرا را اعتماد بی جا به فرد غریبه جان و مالم را به خطر انداختم .

هشدار

آتش گرفتن سیلندر گاز مایع

- خونسردی خودتان را حفظ کنید.
- مواد قابل اشتعال را از اطراف سیلندر دور کنید.
- سیلندری که آتش گرفته است منفرج نخواهد شد ترس انفجار را از خودتان دور کنید.
- با بستن شیر سیلندر آتش خاموش می شود.
- اگر امکان بستن شیر سیلندر را نداشتید با انتقال آن به یک محیط باز، خطر را از خودتان دور کنید.

روز ماما مبارک

تمایع دگی فروش و خدمات پس از فروش ۳۹۷ غلامه

حداقل پیش پرداخت

اقساط بدون بهره

تحويل فوری

بجنورد: میدان خرمشهر ۸۶ ۰۰ ۲۶ ۳۲ مدیر فروش: ۰۰۸۶ ۷۹۴ ۰۹۱۵

شیروان : نبش چهارراه قائم (ع) ۷۸ ۲۱ ۲۲ ۳۶ مدیر فروش: ۰۰۹۶ ۷۹۴ ۰۹۱۵

خدمات پس از فروش : ۳۲ متری شهربازی روبروی پارک موتوری شهرداری ۹- ۷۶ ۸۳ ۷۲ ۳۲



CHERY

مدیران خودرو